

کتاب حقوق نبی

مقدمه

حقوق نبی این کتاب را احتمالاً در اواخر قرن هفتم قبل از میلاد مسیح نوشته است.

در زمان حقوق نبی، مردم کشور بابل بر سر قدرت بودند و ظلم و ستم آنها، حقوق نبی را بسیار متأثر ساخته بود. او از خداوند می‌پرسد که چرا در مقابل ظلم ظالمان سکوت اختیار کرده است؟ چرا به مردم شریر بابل موقع می‌دهد که مردمان صالح و راستکارتر از خود را از بین ببرند؟

خداوند به او جواب می‌دهد که در موقع مناسب مردم کشور بابل را مجازات خواهد کرد و همچنان می‌فرماید: «شخص عادل به وسیلهٔ ایمان زندگی می‌کند.» (۲:۴)

در اخیر حقوق نبی دعای خود را به شکل سرودی زیبا بیان می‌کند. این سرود نشان دهندهٔ ایمان حقوق نبی به خدایی است که با قدرت عظیم خود جهان هستی را اداره می‌کند. حقوق نبی با وجود مشکلات و ناکامی‌ها در زندگی، به خدا توکل دارد و در او خوشی می‌کند. او می‌گوید: «اگرچه درخت انجیر شگوفه نکند، انگور در تاک نباشد، محصول زیتون از بین برود، کشتزارها غله بار نیاورند، گله‌ها در چراگاه تلف شوند و طویله‌ها از رمه خالی بمانند، لیکن من در خداوند شادمانی کرده و در خدای نجات‌دهندهٔ خویش خوشی خواهم نمود.» (۱۷:۳-۱۸)

فهرست موضوعات

شکایت حقوق نبی و جواب خداوند: فصل ۱:۱ - ۱:۲

۱ خداوند این پیام را در رؤیا به حبقوق نبی نشان داد.

شکایت حبقوق نبی

۲ ای خداوند، تا به کی برای کمک به حضور تو زاری کنم تا به فریادم برسی؟ تا به کی از ظلم فریاد کنم تا تو بشنوی و برای نجات ما بشتابی؟^۳ چرا می گذاری که این همه بی عدالتی ها را بینم؟ چرا کاری نمی کنی و به ظلم و ستم خاتمه نمی دهی؟ با خرابی و ظلم روبرو هستم و به هر طرف که می نگرم جنگ و دشمنی را می بینم.^۴ هیچ کسی پابند قانون نیست و به آن اهمیتی نمی دهد. عدالت اجرا نمی شود. اشخاص شریر همیشه در محکمه ها دعوا را می برند، افراد راستکار را شکست می دهند و عدالت معنی و مفهوم خود را از دست داده است.

جواب خداوند

۵ خداوند فرمود: «به قومهای اطراف خود نگاه کنید و از آنچه که می بینید تعجب کنید، زیرا در دوران زندگی شما کاری می کنم که حتی وقتی خبر آن را بشنوید، باور نکنید.^۶ من مردم بابل را که بی رحم و ظالم هستند به قدرت می رسانم. آنها به تمام روی زمین هجوم آورده همه جا را تصرف می کنند.^۷ آنها وحشتناک و مغرور هستند و هر کاری را که می کنند، در نظرشان معقول و قانونی است.

۸ اسپهای شان زیرکتر از پلنگ و سریعتر از گرگهای گرسنه هستند. سواران آنها از جاهای دوردست می آیند و مانند عقاب بر شکار خود فرود می آیند.^۹ لشکر آنها با بی رحمی حمله می کنند و مانند ریگ دریا، بی شمار اسیر می گیرند.^{۱۰} پادشاهان را مسخره می کنند و به بزرگان می خندند. قلعه ها را هیچ می شمارند و در پشت دیوار آنها پشته ای از خاک می سازند و آنها را

تصرف می کنند.^{۱۱} مانند باد هجوم می آورند و بعد می روند. آنها مردم گناهکار هستند، زیرا قدرت خود را، خدای خود می دانند.»

حقوق نبی دوباره شکایت می کند

^{۱۲} ای خداوند، تو از ازل خدا بوده‌ای! تو خدای من، خدای مقدس و ابدی هستی. ای خداوند، تو خدا و حافظ ما هستی. تو به مردم بابل قدرت دادی تا ما را مجازات کنند.^{۱۳} تو آنقدر پاک و مقدس هستی که گناه و شرارت نزد تو قابل تحمل نیست. پس چرا وقتی که مردم شریر اشخاص صادقتر از خود را از بین می برند، خاموش می مانی؟

^{۱۴} تو مردم را مانند ماهیان و خزنده گان بی دفاع به دام مردم بابل می اندازی.^{۱۵} آنها با تور خود مردم را به دام می اندازند و برای این که آنها را شکار کرده اند، خوشی و شادمانی می کنند.^{۱۶} بعد می روند و تورهای خود را می پرستند و برای آنها قربانی می کنند، زیرا تورهای شان خوراک و ثروت برای آنها آورده است.

^{۱۷} پس آیا تو به آنها اجازه می دهی که برای همیشه به گشتار بی رحمانه خود ادامه بدهند؟

۲ ^۱ حالا از برج مراقبت خود بالا می روم و انتظار می کشم تا ببینم که خداوند به من چه می فرماید و به شکایت من چه جوابی می دهد.

جواب خداوند

^۲ خداوند به من جواب داد: «آنچه را که در رؤیا به تو نشان می دهم به طور واضح بر لوحه‌ها بنویس تا هرکسی بتواند با یک نگاه آن را بخواند.^۳ این رؤیا فعلاً عملی نمی شود اما در وقت مقرر و معین اتفاق می افتد و آنچه را که به تو نشان می دهم حتماً واقع شدنی است. شاید تا وقوع

آن مدت زیادی طول بکشد، ولی منتظر باش، زیرا وقوع آن حتمی است و بدون تأخیر رُخ می‌دهد.^۴ پس بنویس: شخص بدکار هلاک می‌شود اما شخص عادل به وسیلهٔ ایمان زندگی می‌کند.»

فنا و تباهی مردم گمراه

^۵ ثروت فریبنده است. اشخاص حریص مغرورند و آرامش ندارند. قومها را اسیر کرده آنها را نزد خود جمع می‌کنند و مانند مرگ به کام خود فرومی‌برند و سیر نمی‌شوند.^۶ آنهایی که مغلوب و اسیر شده‌اند، با طعنه و تمسخر به کلدانیان می‌گویند:

«وای بر شما! زیرا آنچه را که مال شما نیست غصب می‌کنید و به دارایی خود می‌افزایید. تا به کی مردم را مجبور می‌سازید تا بیشتر از آنچه که قرضدار هستند، به شما بپردازند؟

^۷ اما کسانی که بر آنها ظلم کرده‌اید، ناگهان برخاسته شما را به وحشت می‌اندازند و مال و دارایی‌تان را تاراج می‌کنند.^۸ چون شما مال مردم را غارت کرده‌اید، پس بازمانده‌گان آن مردم شما را غارت می‌کنند، زیرا شما مرتکب قتل شدید، ظلم و ستم را بر روی زمین رواج دادید و شهرها و ساکنان آنها را از بین بردید.

^۹ وای به حال شما که از راه نامشروع برای خود ثروت اندوخته‌اید تا خود و خانواده‌تان در رفاه و آسایش زندگی کنید و از خطر و بلا در امان باشید.^{۱۰} نقشه‌های شوم شما باعث ننگ و رسوایی خودتان می‌شوند. با نابود کردن قومها، مرگ و نیستی را بالای خود می‌آورید.^{۱۱} حتی سنگهای دیوار و تیرهای سقف خانه‌تان هم به خاطر ظلم شما فریاد برمی‌آورند.

^{۱۲} وای بر شما که شهر خود را با ریختن خون مردم و با پولی که از راه غارت به دست آورده‌اید، آباد می‌کنید.^{۱۳} کسانی که شما آنها را غارت کردید از دسترنج خود فایده‌ای نبردند. آنها بیجا زحمت کشیدند و همه چیزهایی که ساخته‌اند، دود می‌شوند و به هوا می‌روند، زیرا خداوند قادر

مطلق چنین اراده فرموده است.^{۱۴} اما همان طوری که بحرهای پُر از آب می باشند، زمین هم پُر از معرفت و شناسایی جلال و عظمت خداوند می شود.

^{۱۵} وای بر شما که همسایه گان خود را با شراب غضب تان نشئه می سازید و بعد آنها را رسوا کرده به تن برهنه شان نگاه می کنید و لذت می برید.^{۱۶} به زودی شکوه و عزت شما به ننگ و رسوایی تبدیل می گردد. از جام مجازات خداوند می نوشید و نشئه شده به زمین می افتید و رسوایی، شان و شوکت تان را می پوشاند.^{۱۷} به خاطر ظلمهایی که در لبنان کرده اید و حیواناتی را که به وحشت انداختید و هلاک ساختید، حالا خودتان نابود می شوید. پس برای خونهایی که ریخته اید و ظلمهایی که در شهرهای روی زمین و مردم آن کرده اید، خودتان گرفتار ظلم و ستم می گردید.

^{۱۸} از بُت پرستی چه فایده ای برای انسان می رسد؟ بُتی که به دست انسان ساخته شده است، تنها یک مجسمه است و نمی توان به آن توکل نمود.^{۱۹} وای به حال شما که به یک تکه چوب می گوئید که بیدار شود و از یک بُت بیجان می خواهید که برخیزد. آیا یک بُت می تواند به شما چیزی آموزش دهد؟ بُتها از بیرون با نقره و طلا پوشانده شده اند اما بیجان هستند و روحی در آنها نیست.»

^{۲۰} اما خداوند در جایگاه مقدس خود است، پس تمام روی زمین باید در حضور او خاموش باشند.

دعای حبقوق نبی

این سرود برای رهبر گروه موسیقی است که با تارهای رباب موسیقی می نوازند.

^۱ ^۳ این است سرود و دعای حبقوق نبی:

^۲ ای خداوند، آوازه کارهای تو به گوش من رسید

و از شنیدن آن ترس مرا فراگرفت.

بار دیگر کارهای عظیمی را که در دوران گذشته اجرا می کردی

به ما نشان بده

و در هنگام غضب خود، رحمت خود را به یاد آور.

^۳خدا از منطقهٔ ادوم برمی گردد،

خدای مقدس از کوه سینا می آید.

جلال او آسمانها را پوشانده

و زمین از حمد و ستایش او پُر است.

^۴درخشنده گی او مانند نور رعد و برق است

و از دستهایش که قدرت او در آنها نهفته است، نور می تابد.

^۵مرض را پیشاپیش خود می فرستد

و به مرگ امر می کند که به دنبال آن بیاید.

^۶هنگامی که می ایستد، زمین تکان می خورد

و وقتی که نگاه می کند، ملتها از ترس می لرزند.

کوههای مستحکم تکه تکه می شوند

و تپه‌های بلند که در زمان قدیم، خداوند بر آنها قدم می‌زد،

از هم پاشیده می‌گردند.

^۷ مردم کوشان را ترسان

و سرزمین مدیان را لرزان دیدم.

^۸ ای خداوند، آیا دریاها تو را خشمگین ساختند؟

آیا بحرها تو را غضبناک کردند؟

تو بر بالای ابرها عبور کردی،

و ابرهای توفانی گادی‌های جنگی تو گشتند،

و تو پیروزی را برای مردم خود آوردی.

^۹ کمان خود را آماده کردی

و تیر را در کمان گذاشتی

و زمین را با رعد و برق شکافتی

که دریاها به وجود آمدند.

^{۱۰} کوه‌ها تو را دیدند و به لرزه افتادند.

سیلابها جاری شدند،

اعماق بحر غُرش کردند

و امواجشان بالا آمدند.

^{۱۱} از نور تیرها و نیزه‌های درخشان تو

آفتاب و مهتاب بی حرکت ایستادند.

^{۱۲} با قهر و غضب جهان را پیمودی

و با خشم خود قومهای جهان را پایمال کردی.

^{۱۳} برای نجات قوم برگزیده‌ات شتافتی

و پادشاه برگزیده‌ات را نجات دادی.

رهبر مردمان شریر را نابود کردی

و پیروانشان را بکلی از بین بردی.

^{۱۴} جنگجویان دشمن مانند گردباد آمدند

تا ما را پراکنده کنند

و می‌خواستند که مردم مسکین را از بین ببرند

اما تو ای خداوند، با نیزه‌های خودشان آنها را نابود کردی.

^{۱۵} با اسپه‌ایت از بحر عبور کردی

و آبهای خروشان را پایمال نمودی.

^{۱۶} وقتی اینها را می‌شنوم،

بدنم از ترس تکان می‌خورد

و لبهایم می‌لرزند.

اندامم سُست می‌شود

و پاهایم به لرزه می‌آیند.

به خاموشی در انتظار روزی هستم

که خدا آن مردمی را که ما را مورد حمله قرار دادند، جزا بدهد.

^{۱۷} اگرچه درخت انجیر شگوفه نکند،

انگور در تاک نباشد،

محصول زیتون از بین برود

و کِشترارها غله بار نیاورند،

گله‌ها در چراگاه تلف شوند

و طویله‌ها از رمه خالی بمانند،

^{۱۸} لیکن من در خداوند شادمانی کرده

و در خدای نجات‌دهنده خویشتن خوشی خواهیم نمود.

۱۹ خداوند متعال قوت من است.

او به پاهایم قوت می‌بخشد

تا مانند آهو دویده و بر کوههای بلند بالا بروم.

سوال دارید؟ +1 807.700.6090

دري جديد ۲۰۲۲ © afghanbibles.org

Copyrighted material not for reprint/publishing purposes.